

قلعه اولتان و هویت فرهنگی دشت مغان: از باستان‌شناسی تا فرهنگ عامه

قادر وظیفه دمیرچی^۱، وحید امیری^۲

تاریخ دریافت: ۳۷ فروردین ۱۴۰۵ تاریخ پذیرش: ۱۶ خرداد ۱۴۰۵

چکیده

دشت مغان، به‌عنوان یکی از مهم‌ترین حوزه‌های فرهنگی و تاریخی شمال‌غرب ایران، همواره محل تلاقی تمدن‌ها و اقوام گوناگون بوده است. در قلب این دشت، قلعه اولتان (اولتان قالاسی) با وسعتی نزدیک به ۷۰ هکتار، بزرگ‌ترین محوطه خشتی شمال‌غرب ایران و یکی از شاخص‌ترین سکونتگاه‌های دوره ساسانی در مرزهای شمال‌غربی شاهنشاهی به‌شمار می‌رود. آنچه گاه‌نگاری این محوطه را به‌طرز چشمگیری دگرگون ساخته، کاوش‌های نجات‌بخشی اخیر است که گورستانی متعلق به عصر آهن (هزاره نخست پیش از میلاد) را آشکار کرده است. این کشف، نخستین شاهد ملموس از حضور سازمان‌یافته انسانی در این مکان، چندین سده پیش از ساخت استحکامات اصلی دوره اشکانی و ساسانی، به‌شمار می‌رود و همراه با شواهد لایه‌نگاری، نشان می‌دهد که توالی استقرار محوطه به‌مراتب پیچیده‌تر و طولانی‌تر از آن چیزی است که پیشتر تصور می‌شد. استحکامات و سازه‌های متأخر که بخش عمده بقایای قابل مشاهده امروزی را تشکیل می‌دهند، بر روی بقایای همین سکونتگاه‌های کهن‌تر احداث شده‌اند و تصویری از تداوم تاریخی چشم‌گیر در این مکان ارائه می‌دهند. اوج شکوفایی این محوطه اما به دوره ساسانی (۲۲۴-۶۵۱ میلادی) بازمی‌گردد؛ زمانی که دشت مغان بخشی از منطقه مرزی راهبردی شاهنشاهی ساسانی بود و شهرهای مستحکمی چون اولتان قالاسی، با سیستم‌های پیشرفته آبیاری و طرح‌های منظم شهرسازی، تجلی‌گر ساختاری اداری-اقتصادی پویا و جمعیتی متنوع بودند. یافته‌های سطحی - شامل سکه‌ها، سفال‌ها و بقایای معماری - حکایت از ادغام کامل این منطقه در شبکه‌های گسترده امپراتوری دارد. این مقاله با هدف بررسی نقش قلعه اولتان در شکل‌گیری و تداوم هویت فرهنگی مردم دشت مغان تدوین شده و پیوند میان این بنای تاریخی و مؤلفه‌های هویت معاصر منطقه را از دو منظر باستان‌شناسی و فرهنگ عامه تبیین می‌کند. پژوهش با روش توصیفی-تحلیلی و با تکیه بر منابع کتابخانه‌ای، گزارش‌های باستان‌شناسی و داده‌های قوم‌نگاری انجام شده است. یافته‌ها نشان می‌دهد

^۱ گروه مدیریت، واحد گرمی، دانشگاه آزاد اسلامی، گرمی، ایران (نویسنده مسئول) vazifehqader@gmail.com

^۲ گروه آموزش متوسطه، وزارت آموزش و پرورش، آموزش و پرورش استان اردبیل، پارس‌آباد، ایران

که این محوطه فراتر از یک سازه نظامی، کانونی تمدنی بوده که طی دو هزاره، بستر تعاملات اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی اقوام گوناگون را فراهم آورده و در حافظه جمعی و فرهنگ عامه مردم مغان – در قالب افسانه‌ها، باورهای عامیانه، ترانه‌های محلی و آیین‌های نمادین – بازتابی عمیق یافته است. مقاله در پایان با شناسایی چالش‌های پیش‌رو و فرصت‌هایی چون ثبت جهانی و پژوهش‌های بین‌المللی، بر ضرورت بازتعریف جایگاه این میراث در سیاست‌های فرهنگی منطقه و حفاظت از آن به‌عنوان گامی در جهت تقویت هویت فرهنگی و پیوند نسل امروز با ریشه‌های تاریخی تأکید می‌کند.

واژه‌های کلیدی: اولتان قالاسی، دشت مغان، هویت فرهنگی، عصر آهن، فرهنگ عامه، میراث ناملموس.

۱- مقدمه

دشت مغان در شمال استان اردبیل و در کرانه‌های رود ارس، یکی از مهم‌ترین حوزه‌های فرهنگی و تاریخی شمال غرب ایران به‌شمار می‌رود. خاک حاصلخیز و موقعیت راهبردی این دشت، آن را از دوران پیش از تاریخ تاکنون به کانونی برای استقرار جوامع انسانی تبدیل کرده است (مظیار و ذوالقدر، ۲۰۲۰). در میان محوطه‌های باستانی این منطقه، قلعه اولتان (اولتان قالاسی) با وسعتی نزدیک به ۷۰ هکتار، بزرگ‌ترین محوطه خشتی شمال غرب ایران و یکی از شاخص‌ترین سکونتگاه‌های دوره ساسانی در مرزهای شمال غربی شاهنشاهی به‌شمار می‌رود (علی‌زاده، ۲۰۱۱).

این قلعه که در منابع تاریخی با نام‌های «ورثان» و «دژ اولتان» نیز شناخته می‌شود، دارای توالی استقرار چنددوره‌ای است؛ هرچند اوج شکوفایی آن به دوره‌های اشکانی و به‌ویژه ساسانی بازمی‌گردد (علی‌زاده، ۲۰۱۴). موقعیت این محوطه بر سر راه ارتباطی «قفقاز یولی» (جاده قفقاز) که قفقاز جنوبی را به فلات مرکزی ایران متصل می‌کرد، اهمیت آن را در تبادلات تجاری، نظامی و فرهنگی منطقه دوچندان ساخته است.

هویت فرهنگی مردم مغان طی هزاره‌ها تحت تأثیر عوامل گوناگونی شکل گرفته است: موقعیت جغرافیایی خاص، تعامل با فرهنگ‌های همجوار قفقازی، رویدادهای سیاسی و نظامی، و به‌ویژه محوطه‌های استقرار که کانون زندگی اجتماعی و اقتصادی ساکنان بوده‌اند. در این میان، قلعه اولتان به‌عنوان مهم‌ترین سکونتگاه باستانی منطقه، تأثیری عمیق و ماندگار بر فرهنگ مردم مغان بر جای نهاده است.

با وجود اهمیت این محوطه در ادبیات باستان‌شناسی، پژوهش‌های نظام‌مند درباره نقش آن در شکل‌گیری هویت فرهنگی منطقه محدود بوده است. مقاله حاضر تلاش دارد تا با ارائه چارچوبی تحلیلی که داده‌های باستان‌شناختی را با شواهد قوم‌نگاری و فرهنگ عامه پیوند می‌دهد، این خلأ را پر کند.

ساختار مقاله به این ترتیب است: پس از مقدمه، بخش دوم به توصیف جامع قلعه اولتان از جنبه‌های جغرافیایی، تاریخی و معماری می‌پردازد. بخش سوم مؤلفه‌های هویت فرهنگی مردم مغان را بررسی می‌کند. بخش چهارم رابطه دوسویه میان قلعه و فرهنگ مردم را در قالب تداوم سکونت، کارکردهای اقتصادی-دفاعی و بازتاب در

فرهنگ عامه تحلیل می‌نماید. بخش پنجم به بحث و تحلیل نمادین، پیوندهای فرامرزی و چالش‌ها و فرصت‌های پیش‌رو اختصاص دارد و در نهایت، نتیجه‌گیری مقاله ارائه می‌شود.

۲- توصیف قلعه اولتان (اولتان قالاسی)

۲-۱- موقعیت جغرافیایی و طبیعی

قلعه اولتان در شمال‌ترین نقطه استان اردبیل، در مجاورت شهر مرزی پارس‌آباد و روستای کهن اولتان، در کرانه جنوبی رود ارس واقع شده است (علی‌زاده، ۲۰۱۱). موقعیت جغرافیایی این محوطه از چند جنبه حائز اهمیت است:

پتانسیل کشاورزی: دشت مغان به‌عنوان یکی از حاصلخیزترین دشت‌های ایران، بستر مناسبی برای کشاورزی آبی و دامداری از دوران باستان تا امروز فراهم آورده است (مظیار و ذوالقدر، ۲۰۲۰). منابع آبی: مجاورت با رود ارس نه تنها تأمین‌کننده آب مورد نیاز برای آبیاری و مصارف روزمره بود، بلکه این رود به‌عنوان مرزی طبیعی، گاه عامل جدایی و گاه حلقه ارتباطی میان فرهنگ‌های دو سوی خود عمل می‌کرده است.

مسیرهای ارتباطی: استقرار بر سر راه تاریخی قفقاز، تبادلات تجاری و نظامی میان قفقاز جنوبی و فلات ایران را تسهیل می‌کرده است (علی‌زاده، ۲۰۱۴).

از نظر اقلیمی، منطقه مغان دارای زمستان‌های معتدل و تابستان‌های گرم و خشک است. میانگین بارندگی سالانه حدود ۲۵۰ تا ۳۰۰ میلی‌متر است که برای کشاورزی دیم کافی نیست، اما بهره‌گیری از آب رود ارس و شبکه کانال‌های آبیاری، کشاورزی پرباری را ممکن ساخته است (مظیار و ذوالقدر، ۲۰۲۰).

۲-۲- پیشینه تاریخی

پیشینه استقرار در دشت مغان به دوره‌های بسیار کهن بازمی‌گردد. در دوره مس‌سنگی (حدود ۳۵۰۰-۴۵۰۰ پیش از میلاد)، این منطقه بخشی از حوزه فرهنگ کورا-ارس بود که به سفال‌های سیاه-قرمز و فلزکاری اولیه شهرت دارد و جوامعی با سکونتگاه‌های مستحکم و شبکه‌های تجاری فرامنطقه‌ای پدید آورد (بادالیان، ۲۰۱۵). محوطه‌هایی مانند تپه نادر و آلیکومکتپه از مهم‌ترین استقرارگاه‌های این دوره در دشت مغان هستند (علی‌زاده و دیگران، ۲۰۱۸).

کاوش‌های نجات‌بخشی اخیر در محدوده قلعه اولتان، گورستانی متعلق به عصر آهن (هزاره نخست پیش از میلاد) را آشکار ساخته است که نشان‌دهنده حضور سازمان‌یافته انسانی در این مکان، چندین سده پیش از ساخت استحکامات اصلی دوره اشکانی و ساسانی است (تهران تایمز، ۲۰۲۵). این کشف، همراه با شواهد لایه‌نگاری، نشان می‌دهد که توالی استقرار محوطه پیچیده‌تر و طولانی‌تر از آن چیزی است که پیشتر تصور می‌شد (تهران تایمز، ۲۰۲۲؛ b2022). استحکامات و سازه‌های متأخر که بخش عمده بقایای قابل مشاهده امروزی را تشکیل می‌دهند، بر روی بقایای سکونتگاه‌های کهن‌تر احداث شده‌اند (تهران تایمز، ۲۰۲۲؛ c2022).

اوج شکوفایی قلعه اولتان به دوره ساسانی (۲۲۴-۶۵۱ میلادی) بازمی‌گردد. در این دوره، دشت مغان بخشی از منطقه مرزی راهبردی شاهنشاهی ساسانی بود و شهرهای مستحکمی مانند اولتان قالاسی، ساختارهای پیشرفته استقرار شامل سیستم‌های آبیاری و طرح‌های شهرسازی منظم را آشکار می‌سازند (علی‌زاده، ۲۰۱۱). یافته‌های سطحی - شامل سکه‌ها، سفال‌ها و بقایای معماری - نشان‌دهنده ادغام کامل این منطقه در شبکه‌های گسترده امپراتوری است. قلعه اولتان صرفاً یک پادگان نظامی نبود، بلکه شهری بود با ساختار اداری منظم، اقتصاد پویا و جمعیتی متنوع (علی‌زاده، ۲۰۱۴).

پس از فروپاشی شاهنشاهی ساسانی، این منطقه همچنان اهمیت خود را حفظ کرد. در دوره اسلامی، مغان یکی از استان‌های خلافت عباسی بود و تداوم سکونت در قلعه اولتان تا دوره‌های بعدی، نشان‌دهنده استمرار اهمیت این محوطه در طول تاریخ است (داربایی، ۲۰۰۹).

۳-۲- ویژگی‌های معماری و شهرسازی

قلعه اولتان با وسعتی نزدیک به ۷۰ هکتار، بزرگ‌ترین محوطه خشتی شمال‌غرب ایران به شمار می‌رود (علی‌زاده، ۲۰۱۱). ویژگی‌های معماری این محوطه نشان‌دهنده برنامه‌ریزی منظم شهری و دانش پیشرفته معماری است:

استحکامات دفاعی: گرداگرد این شهر-قلعه را خندقی به عرض ۱۰ تا ۱۵ متر فرا گرفته بود. وجود این خندق، همراه با دیوارهای خشتی مستحکم و برج‌های دیده‌بانی با روزنه‌های تیراندازی، نشان‌دهنده اهمیت نظامی این محوطه و قابل مقایسه با استحکامات معروفی چون دیوار دربند (داغستان امروزی) است (گادجیف، ۲۰۰۸).

سیستم آبیاری: یکی از شگفت‌انگیزترین جنبه‌های قلعه اولتان، سیستم پیشرفته آبیاری آن است. کانال‌های متعددی که آب را از رود ارس به مزارع و بخش‌های مختلف شهر هدایت می‌کردند، شاهی بر دانش مهندسی و مدیریت کارآمد منابع آب توسط ساکنان آن است (علی‌زاده، ۲۰۱۱).

ساختار شهرسازی: بررسی‌های باستان‌شناسی نشان می‌دهد که اولتان قالاسی دارای ساختار شهرسازی منظمی بوده است. بخش‌های مختلف شهر شامل منطقه مسکونی، ارگ حکومتی، محوطه‌های صنعتی و گورستان، بر اساس طرحی از پیش‌اندیشیده شده استقرار یافته بودند (علی‌زاده، ۲۰۱۱).

گورستان و آداب تدفین: گورستان این محوطه با وسعت قابل توجه و تنوع تدفین‌ها (شامل تدفین در تابوت، خمره‌ای و ساده) از دوره‌های اشکانی، ساسانی، سلجوقی و اسلامی، اطلاعات ارزشمندی از باورها و آداب اجتماعی ساکنان در طول زمان به دست می‌دهد (علی‌زاده، ۲۰۱۱).

۴-۲- یافته‌های باستان‌شناسی و پژوهش‌های بین‌المللی

پروژه باستان‌شناسی دشت مغان به رهبری کریم علی‌زاده، مهم‌ترین پژوهش سیستماتیک در محوطه اولتان قالاسی است. تاریخ‌گذاری نسبی و مطلق (رادیکربن) انجام‌شده بر روی نمونه‌های به‌دست‌آمده از کاوش‌ها، اوج استقرار در این محوطه را به دوره ساسانی تأیید می‌کند، هرچند کشفیات جدید مربوط به عصر آهن،

بازنگری در گاه‌نگاری این محوطه را ضروری می‌سازد (علی‌زاده، ۲۰۱۱؛ تهران تایمز، ۲۰۲۶). مقایسه سفال‌های یافت‌شده با نمونه‌های مشابه از محوطه‌های هم‌عصر در جمهوری آذربایجان و بین‌النهرین، نشان‌دهنده ارتباطات گسترده منطقه است (علی‌زاده، ۲۰۱۱).

در سطح بین‌المللی، اولتان قالاسی به‌عنوان یک محوطه کلیدی برای شناخت استراتژی‌های مرزی و شهرنشینی در شاهنشاهی ساسانی شناخته می‌شود. پژوهش‌گرانی از دانشگاه‌های معتبر جهان مانند دانشگاه هاروارد و دانشگاه شیکاگو به مطالعه این محوطه پرداخته‌اند و آن را در متن تحولات گسترده‌تر منطقه قفقاز و خاورمیانه قرار داده‌اند (پروژه استعمار ساسانی دشت مغان، بی‌تاریخ).

۳- هویت فرهنگی مردم منطقه مغان

۳-۱- مؤلفه‌های هویت فرهنگی

هویت فرهنگی مردم مغان در طول هزاره‌ها تحت تأثیر عوامل گوناگون شکل گرفته و پالایش شده است. این هویت دارای مؤلفه‌های متعددی است که مهم‌ترین آنها عبارتند از:

زبان و ادبیات شفاهی: مردم منطقه مغان به زبان ترکی آذربایجانی سخن می‌گویند. ادبیات شفاهی غنی این منطقه شامل داستان‌ها، افسانه‌ها، ضرب‌المثل‌ها و ترانه‌های محلی است که بسیاری از آنها به وقایع تاریخی، شخصیت‌های محلی و اماکن مهم مانند قلعه اولتان اشاره دارند (تاپر، ۱۹۹۷).

آداب و رسوم: آیین‌ها و مراسم سنتی مردم مغان، ریشه در باورهای کهن و تلفیق آن با ارزش‌های اسلامی دارد. مراسم مربوط به نوروز، جشن‌های کشاورزی، آیین‌های عروسی و سوگواری، هر یک بازتاب‌دهنده لایه‌های مختلف هویت فرهنگی این مردم است (شهبازی، ۲۰۰۵).

شیوه‌های معیشتی: اقتصاد منطقه مغان بر پایه کشاورزی آبی (غلات، پنبه و صیفی‌جات)، دامداری (به‌ویژه پرورش گوسفند) و صنایع دستی استوار است. قالی‌بافی، گلیم‌بافی و تولید محصولات لبنی از جمله فعالیت‌های سنتی منطقه هستند که شیوه زندگی و فرهنگ مادی مردم را شکل داده‌اند (تاپر، ۱۹۹۷).

باورها و جهان‌بینی: باورهای مردم مغان تلفیقی از اسلام (با گرایش شیعی) و برخی باورهای پیشینیان است. احترام به اماکن مقدس، زیارت امامزاده‌ها، و بزرگداشت مناسبت‌های مذهبی، بخشی از هویت دینی مردم را تشکیل می‌دهد (مطه‌ده، ۲۰۰۰).

۳-۲- تداوم تاریخی/استقرار در مغان

یکی از ویژگی‌های برجسته منطقه مغان، تداوم تاریخی استقرار در آن از دوره مس‌سنگی تا امروز است. این تداوم، بستر مناسبی برای شکل‌گیری و تثبیت هویت فرهنگی فراهم آورده است. جوامع دوره مس‌سنگی با ساخت سکونتگاه‌های مستحکم، کشاورزی و شبکه‌های تجاری، پایه‌های تمدن بعدی را در منطقه پی‌ریزی کردند (بادالیان، ۲۰۱۵). در دوره مفرغ و آهن، تعامل با فرهنگ‌های همجوار قفقازی و بین‌النهرینی بر غنای فرهنگی منطقه افزود (مظیار و ذوالقدر، ۲۰۲۰).

دوره ساسانی را باید عصر طلایی شهرنشینی در مغان دانست. در این دوره، شهرهای متعددی در کنار کانال‌های آبیاری ساخته شد که اولتان قالاسی بزرگ‌ترین آنها بود (علی‌زاده، ۲۰۱۱). این شهرها نه تنها مراکز

اداری و نظامی، بلکه کانون‌های تولید و تبادل فرهنگی بودند. پس از اسلام، مغان همچنان اهمیت خود را حفظ کرد. در دوره صفوی، این منطقه به دلیل همجواری با قلمرو عثمانی، اهمیت نظامی یافت (فلور، ۲۰۰۱). در دوره قاجار، کوچ اجباری برخی ایلات به این منطقه، بر تنوع فرهنگی آن افزود (تاپر، ۱۹۹۷).

۳-۳- نقش عوامل جغرافیایی و سیاسی در شکل‌گیری هویت

موقعیت جغرافیایی خاص مغان به‌عنوان پل ارتباطی میان فلات ایران و قفقاز، نقش مهمی در شکل‌گیری هویت فرهنگی آن داشته است. این منطقه همواره در معرض تعامل و تبادل فرهنگی با همسایگان بوده است (مظیار و ذوالقدر، ۲۰۲۰). رود ارس به‌عنوان یک مرز طبیعی، نه تنها عامل جدایی، بلکه گاه حلقه ارتباطی نیز بوده است؛ جوامع دو سوی این رود، همواره با یکدیگر در تعامل بوده و شباهت‌های فرهنگی زیادی دارند (مظیار و ذوالقدر، ۲۰۲۰).

شرایط اقلیمی و زیست‌محیطی مغان، شیوه معیشت مردم را شکل داده است. دشت حاصلخیز مغان، کشاورزی را به فعالیت اصلی تبدیل کرده و فرهنگ وابسته به کشاورزی پدید آورده است. تقویم کشاورزی، آیین‌های مربوط به باران و برداشت محصول، و باورهای مرتبط با زمین و آب، از این تأثیرپذیری حکایت دارد (تاپر، ۱۹۹۷).

عامل دیگر، موقعیت مرزی و نظامی منطقه است. حضور دژها و قلعه‌های متعدد، از جمله قلعه اولتان، نشان‌دهنده اهمیت دفاعی منطقه است. این وضعیت، روحیه سلحشوری و توجه به امنیت جمعی را در مردم پرورش داده است (علی‌زاده، ۲۰۱۴).

۴- رابطه قلعه اولتان با فرهنگ مردم مغان

۴-۱- قلعه به‌عنوان کانون تمدنی

قلعه اولتان در طول تاریخ، صرفاً یک بنای نظامی نبوده، بلکه کانونی تمدنی با کارکردهای گوناگون بوده است. این محوطه با وسعت نزدیک به ۷۰ هکتار، شهری کامل با تمام ارکان یک جامعه شهری را در خود جای داده بود (علی‌زاده، ۲۰۱۱). سیستم آبیاری پیشرفته، بستر کشاورزی پربار و رونق اقتصادی را فراهم می‌آورد. بازارها و کارگاه‌های تولیدی (سفالگری، فلزکاری، نساجی) محل دادوستد و تولید کالا بودند (علی‌زاده، ۲۰۱۱). مراکز اداری و حکومتی نظم و انضباط اجتماعی را تأمین می‌کردند و اماکن مذهبی و آیینی نیازهای معنوی ساکنان را برآورده می‌ساختند (علی‌زاده، ۲۰۱۱).

این چندکارکردی باعث شد که اولتان به کانون اصلی تولید اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی برای کل منطقه تبدیل شود. الگوهای کشاورزی، دانش مدیریت آب، فنون معماری و صنایع دستی که در این شهر توسعه یافتند، به عنوان الگوهایی برای سایر سکونتگاه‌های منطقه عمل کردند.

۲-۴- بازتاب قلعه در حافظه جمعی و فرهنگ عامه

قلعه اولتان در حافظه جمعی مردم منطقه جایگاه ویژه‌ای دارد. اگرچه تاریخ دقیق آن در میان مردم به فراموشی سپرده شده، اما خاطره این دژ کهن در قالب‌های گوناگون در فرهنگ عامه باقی مانده است. داستان‌ها و افسانه‌های محلی متعددی درباره این قلعه وجود دارد که برخی به قدمت و عظمت آن اشاره دارند و آن را یادگار پادشاهان باستانی می‌دانند و برخی دیگر به گنج‌های نهفته در آن اشاره می‌کنند (تامپسون، ۲۰۰۸). در ادبیات شفاهی مردم، از این قلعه با عنوان «اولتان قالاسی» یاد می‌شود. باورهای عامیانه نیز پیرامون این قلعه شکل گرفته است؛ برخی آن را مکان مقدسی می‌دانند و برای برآورده شدن حاجات خود به آن پناه می‌برند و برخی دیگر معتقدند این قلعه محل زندگی ارواح و موجودات فراطبیعی است (تامپسون، ۲۰۰۸). این رسوب‌گذاری فولکلوریک نشان می‌دهد که اولتان حتی در غیاب دانش تاریخی رسمی، همچنان به شکل‌گیری هویت محلی ادامه می‌دهد و به‌عنوان نمادی از قدمت، قدرت یا شکوه ازدست‌رفته عمل می‌کند.

۳-۴- تأثیر قلعه بر شیوه‌های معیشتی و فرهنگ مادی

تکنیک‌های آبیاری که نخستین بار در دوره ساسانی توسعه یافت و همچنان در شبکه کانال‌های پیرامون اولتان قابل مشاهده است، بر رژیم‌های کشاورزی بعدی تأثیر گذاشت. شیوه‌های سنتی مدیریت آب، از جمله تقسیم عادلانه آب، زمان‌بندی آبیاری و نگهداری از کانال‌ها، نسل به نسل منتقل شده است (ویلیکینسون، ۲۰۰۳). به‌طور مشابه، صنایع دستی مانند قالی‌بافی از نقوشی استفاده می‌کنند که یادآور نقوش سفال‌های باستانی است و این نشان‌دهنده تداوم یک فرهنگ بصری ریشه‌دار در میراث مادی محوطه است. دامداری به شیوه نیمه‌کوچ‌نشینی که ریشه در دوران باستان دارد، همچنان در منطقه رایج است. کوچ فصلی دامداران میان بیلاق و قشلاق، فرهنگ خاص خود را پدید آورده است (تاپر، ۱۹۹۷). معماری سنتی منطقه نیز تحت تأثیر الگوهای کهن شکل گرفته است. استفاده از خشت و گل به عنوان مصالح اصلی، و طراحی خانه‌ها با حیاط مرکزی، یادآور معماری باستانی منطقه است (ویلیکینسون، ۲۰۰۳).

۴-۴- تداوم هویت در بستر تحولات تاریخی

یکی از شگفت‌انگیزترین ویژگی‌های قلعه اولتان، تداوم سکونت در آن علیرغم تحولات تاریخی پرفرازونشیب است. این تداوم، نشان‌دهنده انعطاف‌پذیری و توانایی سازگاری ساکنان با شرایط متغیر است. در دوره ساسانی، این شهر بخشی از یک سیستم منظم امپراتوری بود و از الگوهای شهرسازی و معماری آن دوره پیروی می‌کرد (علی‌زاده، ۲۰۱۱). پس از فروپاشی ساسانیان و ورود اسلام، شهر همچنان به حیات خود ادامه داد و با شرایط جدید سازگار شد (داریایی، ۲۰۰۹). در دوره‌های بعد، با تغییر زبان و هویت قومی ساکنان، نام شهر نیز تغییر کرد. از «ورثان» به «اولتان» و سپس «اولتان قالاسی»، این تحول زبانی بازتابی از تحولات هویتی در منطقه است (تاپر، ۱۹۹۷).

امروزه، روستای اولتان در جنوب ویرانه‌های این شهر باستانی، ادامه‌دهنده سنت سکونت در این مکان است. این تداوم فیزیکی باعث شده است که ویژگی‌های فرهنگی - تقویم کشاورزی، تکنیک‌های صنایع دستی و هنجارهای اجتماعی - با مقاومت قابل‌توجهی منتقل شوند (تاپر، ۱۹۹۷؛ تامپسون، ۲۰۰۸).

۵- بحث و تحلیل

۱-۵- قلعه اولتان به مثابه نماد هویت منطقه‌ای

قلعه اولتان را می‌توان نمادی چندبعدی از هویت منطقه‌ای مغان دانست:

- **بعد تاریخی:** این قلعه نماد قدمت و تداوم تاریخی منطقه است و روایت‌هایی را که مغان را منطقه‌ای فاقد پیشینه تاریخی می‌دانند، به چالش می‌کشد (علی‌زاده، ۲۰۱۱).
- **بعد دفاعی:** استحکامات این قلعه، نماد روحیه سلحشوری و مقاومت مردم منطقه در برابر تهاجمات است. موقعیت مرزی مغان، همواره آن را در معرض خطر قرار می‌داده و ساکنان آن برای دفاع از سرزمین خود، دژهای مستحکمی چون اولتان قالاسی ساخته‌اند (علی‌زاده، ۲۰۱۴).
- **بعد تمدنی:** وسعت و پیچیدگی این محوطه، نماد توانایی مردم منطقه در ایجاد یک تمدن شهری با تمام ارکان آن است. این نشان می‌دهد که مغان صرفاً منطقه‌ای کشاورزی نبوده، بلکه کانون شهرنشینی و تمدن نیز بوده است (علی‌زاده، ۲۰۱۱).
- **بعد فرهنگی:** تنوع یافته‌های باستان‌شناسی در این محوطه، نماد تعامل فرهنگی و همزیستی مسالمت‌آمیز اقوام گوناگون در منطقه است و درس‌های ارزشمندی برای کثرت‌گرایی معاصر ارائه می‌دهد (مظیار و ذوالقدر، ۲۰۲۰).

۲-۵- پیوندهای فرامرزی و جایگاه بین‌المللی

موقعیت جغرافیایی قلعه اولتان در مسیر جاده قفقاز، آن را به محوری برای پیوندهای فرامرزی تبدیل کرده است. مقایسه با محوطه‌های جمهوری آذربایجان و داغستان نشان‌دهنده سنت‌های معماری و سفالگری مشترک است که حاکی از تداوم فرهنگی فراتر از مرزهای سیاسی امروزی است (علی‌زاده، ۲۰۱۴؛ گادجیف، ۲۰۰۸). علاقه علمی بین‌المللی، اولتان را در متن مباحث جهانی درباره امپراتوری، مرز و شهرنشینی قرار داده است (پروژه استعمار ساسانی دشت مغان، بی‌تاریخ). پیگیری ثبت جهانی در فهرست یونسکو می‌تواند دیدگاه این محوطه را افزایش دهد و همکاری‌های فرامرزی در زمینه میراث فرهنگی را تقویت کند.

۳-۵- چالش‌ها و فرصت‌های پیش‌رو

محوطه باستانی اولتان قالاسی با چالش‌های متعددی روبه‌رو است:

- **تخریب‌های انسانی و طبیعی:** توسعه کشاورزی، گسترش روستاها و عوامل طبیعی (فرسایش) بخش‌هایی از این محوطه را تخریب کرده است.
- **عدم حفاظت کافی:** نبود برنامه مدون حفاظت و مرمت، این محوطه ارزشمند را در معرض خطر قرار داده است (ایکوموس، ۲۰۱۵).

- **کم توجهی به ظرفیت‌های گردشگری:** با وجود پتانسیل بالای این محوطه برای جذب گردشگر، زیرساخت‌های لازم فراهم نشده است.
- **محدودیت‌های ژئوپلیتیکی:** قرارگیری این محوطه در نزدیکی مرز، پژوهش و بازدید از آن را با محدودیت‌هایی مواجه کرده است.
- در مقابل، فرصت‌هایی نیز وجود دارد:
- **پژوهش‌های بین‌المللی:** همکاری با تیم‌های باستان‌شناسی بین‌المللی می‌تواند به کشف ابعاد ناشناخته این محوطه کمک کند و حمایت فنی برای حفاظت فراهم آورد.
- **گردشگری فرهنگی:** توسعه گردشگری پایدار می‌تواند درآمد ایجاد کند و اشتغال محلی را افزایش دهد و هم‌زمان آگاهی از میراث را تقویت نماید.
- **ثبت جهانی:** تلاش برای ثبت این محوطه در فهرست یونسکو، می‌تواند حفاظت و معرفی آن را تضمین کند و بودجه و تخصص جذب نماید (یونسکو، ۲۰۱۸).
- **مستندسازی میراث ناملموس:** ثبت و ضبط داستان‌ها، باورها و آیین‌های مرتبط با این قلعه، می‌تواند چشم‌انداز فرهنگی منطقه را به‌طور کامل حفظ کند (تامپسون، ۲۰۰۸).

۶- نتیجه‌گیری

قلعه اولتان (اولتان قالاسی) نه تنها یک بنای تاریخی-باستان‌شناختی، بلکه عنصری بنیادین در هویت فرهنگی منطقه مغان است. تاریخ دو هزارساله استقرار، زیرساخت‌های پیشرفته شهری و نقش محوری آن در اقتصاد و دفاع منطقه، تأثیرات ماندگاری بر فرهنگ مادی، ساختار اجتماعی و وجدان جمعی منطقه بر جای نهاده است. این قلعه به‌عنوان کانونی تمدنی عمل کرده که در آن گروه‌های قومی و زبانی گوناگون با یکدیگر تعامل داشته‌اند و هویتی ترکیبی و منعطف تولید کرده‌اند که همچنان در آداب و رسوم محلی، سنت‌های شفاهی و اعمال روزمره بازتاب دارد.

این پژوهش نشان داد که رابطه بین قلعه و فرهنگ محلی رابطه‌ای دوسویه است: از یک سو، این محوطه الگوهای معیشتی، تخصص‌گرایی صنایع دستی و سازمان‌دهی استقرار در منطقه را شکل داده است و از سوی دیگر، خود در فولکلور، باورهای دینی و جغرافیای نمادین منطقه جای گرفته است. پایداری این میراث - علیرغم تحولات سیاسی و دگرگونی‌های فرهنگی - گویای قدرت ماندگار مکان در تثبیت هویت است.

با این حال، این میراث اکنون در معرض خطر است. توسعه بی‌رویه، حفاظت ناکافی و حاشیه‌رانی ژئوپلیتیکی، هم بقایای فیزیکی و هم سنت‌های ناملموس مرتبط با آن را تهدید می‌کند. یک راهبرد چندوجهی به‌طور فوری مورد نیاز است که ترکیبی از پژوهش‌های باستان‌شناسی دقیق، مدیریت میراث مبتنی بر جامعه، همکاری علمی فرامرزی و گردشگری فرهنگی مسئولانه باشد. به‌ویژه، تهیه پرونده ثبت جهانی یونسکو می‌تواند به‌عنوان کاتالیزوری برای حفاظت و به‌رسمیت‌شناسی بین‌المللی عمل کند.

در نهایت، حفاظت از قلعه اولتان نه تنها یک ضرورت علمی و فرهنگی، بلکه یک تعهد اخلاقی است: حفظ این بنا به معنای حفظ آگاهی تاریخی و غرور فرهنگی مردم مغان است. این مقاله امیدوار است که با ارائه

درکی جامع و میان‌رشته‌ای از نقش اولتان در شکل‌گیری هویت منطقه‌ای و ترسیم مسیرهای عملی برای مدیریت آینده آن، به این هدف کمک کند.

References

- Alizadeh, K. (2011). Ultan Qalasi: A fortified site in the Sasanian borderlands (Mughan Steppe, Iranian Azerbaijan). *Iran*, 49, 55–77. <https://doi.org/10.1080/05786967.2011.11834485>
- Alizadeh, K. (2014). Borderland projects of Sasanian Empire: Intersection of domestic and foreign policies. *Journal of Persianate Studies*, 7(2), 173–197. <https://doi.org/10.1163/18747167-12341266>
- Alizadeh, K., Samei, S., Mohammadkhani, K., Heidari, R., & Tykot, R. H. (2018). Craft production at Köhne Shahar, a Kura-Araxes settlement in Iranian Azerbaijan. *Journal of Anthropological Archaeology*, 51, 127–143. <https://doi.org/10.1016/j.jaa.2018.06.002>
- Badalyan, R. (2015). The Kura–Araxes culture in the South Caucasus. *Paléorient*, 41(2), 21–39.
- Daryaei, T. (2009). *Sasanian Persia: The rise and fall of an empire*. I.B. Tauris.
- Floor, W. (2001). *Safavid government institutions*. Mazda Publishers.
- Gadjiev, M. (2008). On the construction date of the Derbend fortification complex. *Iran and the Caucasus*, 12(1), 1–16. <https://doi.org/10.1163/157338408X326154>
- ICOMOS. (2015). *Heritage at risk: Cultural heritage protection in conflict zones*. ICOMOS Publications.
- Maziar, S., & Zolaghi, A. (2020). Exploring beyond the river and inside the valleys: Settlement development and cultural landscape of the Araxes River Basin through time. *Iran*, 58(2), 145–167. <https://doi.org/10.1080/05786967.2020.1749025>
- Mottahedeh, R. (2000). *Loyalty and leadership in an early Islamic society*. I.B. Tauris.
- Shahbazi, A. S. (2005). Nowruz: The Persian new year. In E. Yarshater (Ed.), *Encyclopaedia Iranica* (Online ed.). <https://iranicaonline.org/articles/nowruz-index>
- Tapper, R. (1997). *Frontier nomads of Iran: A political and social history of the Shahsevan*. Cambridge University Press.

- Tehran Times. (2022a, October 1). Excavations resume on Sassanid-era fortress. <https://www.tehrantimes.com/print/477197/Excavations-resume-on-Sassanid-era-fortress>
- Tehran Times. (2022b, November 21). On a par with Bam cultural landscape, Oltan can be important tourist destination. <https://www.tehrantimes.com/print/478923/On-a-par-with-Bam-cultural-landscape-Oltan-can-be-important>
- Tehran Times. (2022c, September 21). Archaeological survey sheds new light on Sassanid era fortress. <https://www.tehrantimes.com/news/476963/Archaeological-survey-sheds-new-light-on-Sassanid-era-fortress>
- Tehran Times. (2025, January 18). Archaeologist highlights potential of Oltan fortress for World Heritage status. <https://www.tehrantimes.com/news/508787/Archaeologist-highlights-potential-of-Oltan-fortress-for-World>
- Tehran Times. (2026, April 24). Historic Owltn Castle seen as tourism hub in northwest Iran, official says. <https://www.tehrantimes.com/news/525750/Historic-Owltn-Castle-seen-as-tourism-hub-in-northwest-Iran>
- The Sasanian colonization of the Mughan Steppe (NW Iran). (n.d.). Harvard University. <https://dash.harvard.edu/handle/1/11718227>
- Thompson, P. (2008). Oral traditions and cultural memory in the Caucasus. Oxford University Press
- UNESCO. (2018). World Heritage nominations: Guidelines for the preparation of nominations. UNESCO World Heritage Centre.
- Wilkinson, T. J. (2003). Archaeological landscapes of the Near East. University of Arizona Press.
- WTO. (2019). Tourism and cultural heritage: Sustainable development strategies. World Tourism Organization Publications.

Oltan Fortress and the Cultural Identity of the Mughan Plain: From Archaeology to Folk Culture

Qader Vazifeh Damirchi, Vahid Amiri

Abstract

The Mughan Plain, one of the most significant cultural and historical zones in northwestern Iran, has long served as a crossroads of civilizations and ethnic groups. At its heart lies Oltan Fortress (Oltan Qalasi), covering approximately 70 hectares and ranking as the largest mudbrick archaeological site in northwestern Iran and one of the most prominent Sasanian-period settlements along the empire's northwestern frontiers. What has dramatically transformed the chronology of this site is the recent salvage excavation that uncovered an Iron Age cemetery (first millennium BCE) – the first tangible evidence of organised human presence at this location several centuries before the construction of the main Parthian and Sasanian fortifications. This discovery, alongside stratigraphic evidence, indicates that the occupational sequence of the site is considerably more complex and long-lasting than previously assumed. The later fortifications and structures, which constitute the bulk of today's visible remains, were built atop these earlier settlement deposits, revealing a remarkable pattern of long-term historical continuity. The site reached its zenith during the Sasanian period (224–651 CE), when the Mughan Plain formed part of the empire's strategic borderlands. Fortified cities such as Oltan Qalasi, with their advanced irrigation systems and regular urban layouts, epitomise a dynamic administrative-economic structure and a diverse population. Surface finds – including coins, ceramics, and architectural remains – attest to the region's full integration into the broader imperial networks. This article aims to investigate the role of Oltan Fortress in the formation and continuity of cultural identity among the inhabitants of the Mughan Plain, elucidating the connection between this historical monument and contemporary regional identity through two complementary lenses: archaeology and folk culture. Adopting a descriptive-analytical methodology, the study draws on library resources, archaeological reports, and ethnographic data. The findings reveal that the site was far more than a military structure; it functioned as a civilisational hub that, over two millennia, facilitated economic, social, and cultural interactions among diverse ethnic groups.

Simultaneously, it has been deeply embedded in the collective memory and folk culture of the Mughan people – persisting through legends, popular beliefs, local songs, and symbolic rituals. The article concludes by identifying the major challenges facing the site alongside opportunities such as UNESCO World Heritage nomination and international research collaboration. It emphasises the urgent need to redefine the site's position within regional cultural policy, asserting that its preservation is a vital step toward strengthening cultural identity and reconnecting present generations with their historical roots.

Keywords: Oltan Fortress , Mughan Plain, Cultural Identity, Iron Age, Folk Culture, Intangible Heritage